چوپان

سه برابرشـــدن قیمت بنزین من را از همه بابت نگران می‌کند. نگرانم تب و تاب موضوع که خوابید قیمت‌ها بالا برود. با این که مسؤولان می‌گویند همه چیز تحت کنترل است و قیمتی بالا نمی‌رود ولی من این حرف‌ها را باور نمی‌کنم. از روستای ما تا شهر لردگان تا هفته قبل ۳۰۰۰ تومان کرایه می‌گرفتند ولی بعد از گرانی بنزین، کرایه سواری‌ها برای هر نفر ده هزار تومان شده. با این وضع ما چطور باور کنیم که چیزی گران نمی‌شود؟

از کارافتاده

من چند سال پیش به خاطر تومور مغزی از کارافتاده شـــدم. با این که بیماری ام تحت کنترل است ولی باید برای پیگیری درمان، رفت و آمدهای مکرر داشته باشم. وقتی بنزین گران شـــد نگران رفت و آمد و افزایش هزینه‌ها شدم. البته می‌توانم با اتوبوس یا تاکسی به کارهایم برسم ولی وضعیت جسمی ام طوری است که با خودروی شخصی راحت ترم. ۶۰ لیتر بنزین سهمیه‌ای برایم کم است و با حقوق اندك از کارافتادگی توان خرید بنزین آزاد ندارم.

معلم

از لحظه‌ای که بنزین گران شد کرایه خودروهای شـــخصی و آژانس‌ها در شـــهر ما زیاد شـــد. قبلا کرایه مسیر کرمانشـــاه تا سنندج ۸۰ هزار تومـــان بود ولـــی دو ســـه روز اســـت کرایه ۱۱۰ هزارتومان شـــده. قیمت لوازم خانگی هم بالا رفته، هفته پیش یخچـــال فریزر را قیمت کردم چهارمیلیون و ۷۰۰ هـــزار تومان اما دیروز فروشنده گفت چهارمیلیون و ۹۰۰ هزارتومان. جالب این که هرکه کالا یـــا خدماتش را گران می‌کند می‌گوید بنزین گران شـــده و چاره‌ای ندارد. با ایـــن وضع آدم‌هایی مثـــل من دیگر نمی‌تواننـــد زندگی کنند و بایـــد قید چیزهای تجملی مثل مسافرت را بزنند.

مسافربر_شخصی

اهل لرســـتان هســـتم و روزی ده ساعت با خودروی شـــخصی‌ام کار می‌کنم. روزانه ۴۰ لیتر بنزین می‌سوزانم که تا هفته پیش قیمت آن ۴۰ هزار تومان می‌شـــد. اما از این هفته هر روز باید ۱۲۰ هزار تومان پول بنزیـــن بدهم. این در حالی است که درآمد روزمره ما چندان تغییری نکرده. چراکـــه در این چند روز نتوانســـتیم حتی به اندازه ۵۰۰ تومـــان روی کرایه خطمان بکشیم، زیرا همین مقدار کم نیز صدای مردم را درمی‌آورد و برای گرفتن آن همیشـــه با مردم جنگ و دعوا داریم. اکنون درآمد روزانه من بین ۱۷۰ تا ۱۸۰ هزار تومان است که تا هفته گذشته بعد از کم شـــدن پول بنزین، بین ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار تومان آن برایم می‌ماند. اما با توجه به افزایش قیمت بنزین، در این هفته نتوانسته‌ام روزی بیشـــتر از ۶۰ هزار تومان کار کنـــم. اگر وضع به همین منوال بماند، دیگر ماندن در این شغل نمی‌صرفد و باید به فکر شغل دیگری باشم.

جویای_کار

دو ماه اســـت که ســـربازی‌ام تمام شده و در جست‌وجوی کار هســـتم. در چند روزی که از افزایش قیمت بنزین می‌گذرد، این مســـاله هنوز تاثیر چندانـــی روی هزینه‌های روزمره‌ام از جمله رفت‌وآمد و خورد و خوراك نگذاشـــته است، چراکه به نظر می‌رسد دولت در روزهای اخیر، نظارت خوبی روی بازار داشـــته است و امیدوارم این نظارت ادامه پیدا کند، زیرا در غیر این صورت قیمت کالاها به طور سرسام‌آوری بالا خواهد رفت که بی شـــك این مساله روی اقشار مســـتضعف جامعه فشـــار می‌آورد. از سوی دیگر، نگران هستم که در روزهای آینده قیمت کالاهـــای مختلف افزایـــش یابد و در نتیجه آن، بازارهای گوناگون دچار رکود شود و من هم دیگر نتوانم شغل پیدا کنم.

رستوران_دار

به عنوان صاحب رستورانی در شمال تهران بهتر است بگویم گران شـــدن بنزین صد در صد در کار ما هم تاثیر بسیار دارد. به نظر من بالا رفتن قیمت بنزین، قیمت اجناســـی مثل گوشت و برنج را که لازمه رســـتوران اســـت، بالا می‌برد. همین الان شـــخصی که برای رســـتوران من گوشـــت می‌آورد و ۱۲۰ هزار تومان هزینه می‌گیرد از این به بعد همان بار را با ۱۳۰ هزار تومان هزینه تحویل می‌دهد. از طرف دیگر کارگران رستورانم هم برای گذران زندگی حقوق بیشـــتری تقاضا می‌کنند، چون حقوق فعلی خـــرج رفت و آمد و زندگی‌اش را تامین نمی‌کند. در چنین شرایطی اداره رســـتوران برای من سخت است و ترجیح می‌دهم در رستورانم را ببندم.

آبدارچی

من ســـه بچه دارم. با حقوق کارگـــری قبل از این هـــم نمی‌توانســـتم خـــوب و باکیفیت زندگی کنم چه رسد به الان که بنزین سه برابر شـــده و همه چیز قطعا گران می‌شـــود. من ده ســـال در نانوایی کار می‌کـــردم و می‌دیدم که بازرس‌ها می‌آیند و اگـــر تخلفی می‌بینند، رشـــوه‌ای می‌گیرند و می‌روند. بـــرای همین وقتی مســـؤولان می‌گویند نظارت می‌کنند و نمی‌گذارند قیمت‌ها بالا بـــرود، خیالم راحت نمی‌شـــود. زندگی کارگرهایی مثل من در یك خورد و خوراك معمولی و مختصر خلاصه شده و تنها چیزی که از مســـؤولان می‌خواهیم این است که صدای مردم را بشنوند و هوای آنها را داشته باشند.

براساس سرشماری سال ۹۵ حدود ۲۵ میلیون خانوار در ایران زندگی می‌کنند که دغدغه بسیاری از آنها این روزها تاثیر گرانی بنزین بر دخل و خرجشان است

عکس: جام جم

خبرنگار جام جم به میان مردم رفته و دغدغه‌ها و نگرانی‌های آنها از اوضاع این روزهای کشور را بررسی کرده است

نگرانیم... خیلی!

گروه جامعه

۲۰ میلیون نفر الان باید یارانه جدیدِ بنزینی را گرفته باشند، ۲۰ میلیون نفر دیگر هم تا پایان هفته باید کارت یارانه شان را چك کنند، یارانه ۲۰ میلیون نفر بقیه نیز می‌ماند تا اوایل هفته آینده. این که ۵۵ یا ۲۰۵ هزارتومان در این بازار وانفسا و قیمت‌های درشت، مرهم چه زخمی است و کدام چاله را پر کند، پاســـخش پیش تك تك خانوارهاست؛ ولی آنچه مسلم است این که با کمك معیشت ۲۰۵ هزار تومانی که سقف کمك‌های دولت است نیز بیشتر از ۶۸ لیتر بنزین آزاد نمی‌شود خرید چه رسد به کمك‌های کمتر از این.

ما با مردم درباره گرانی بنزین حرف زدیم، با ۲۴ نفر که نماینده ۲۴ قشـــر جامعه هستند، از پزشـــك و خلبان گرفته که جزو گروه‌های مرفه جامعه اند تا کارگر و حتی زندانی که گرفتارترین مردمانند. حرف همه اینها تقریبا یکی اســـت، همه نگران گرانی اند و شـــك دارند با سه برابر شدن قیمت بنزین، قیمت اجناس کنترل شود. این گزارش مجالی اســـت برای آدم‌های معمولی جامعه تا بدون سانسور حرف بزنند، مجالی برای همان‌هایی که می‌گویند افکارعمومی اند و همه ماجرای گرانی بنزین به گفته دولت قرار است به نفع آنها تمام شود.

پیك_موتوری

پیش از این اتفاقات هم دولت ما را صاحب یك پیشـــه حســـاب نمی‌کرد! انگار که شغل کاذب داشته باشیم. ما چه پیش از افزایش قیمت سوخت و چه حالا که بنزین ســـه برابر شده است سهمیه بنزین نداشتیم در حالی که به واسطه شغلمان روزی دو باك بنزین معادل حدود ۲۰ لیتـــر بنزین مصرف می‌کنیم امـــا در حالی که برای سرویس‌های مدارس سهمیه‌ای تعیین شـــده برای ما این اتفاق نیفتاده است. چه دلیلی دارد وقتی هزینه بنزین من سه برابر شده است هزینه حمل و نقل و کارم ثابت بماند!؟ این تازه روال معمول است؛ چراکه حتما از فردا باید مایحتاج زندگی‌ام را هم چند برابر بخرم، در حالی که انتظار دارید قیمت پیك موتوری را ثابت نگه داریم؟

راننده_سرویس_مدرسه

اولین تاثیر افزایش قیمت سوخت روی کار راننده‌هاست. من در روز حداقل ۲۰ لیتر بنزین مصرف می‌کنم که تا هفته پیش برای من ۲۰ هزار تومان هزینه داشته و حالا در خوشـــبینانه‌ترین حالت این هزینه به ۳۰ هزار تومان رسیده و با تمام شدن سهمیه بنزینم که فقط مصرف سه روز من است این هزینه به ۶۰ هزار تومان در روز می‌رسد. اجازه افزایش قیمت کرایه‌ها را هم که نداریم و البته به مـــردم هم حق می‌دهیم که افزایش کرایه را قبول نکنند. ضمن این که حتی اگر افزایش کرایه مصوبه رسمی داشته باشد برای من که سه سرویس مدارس دارم امکان این کار نیست؛ چراکه ما ابتدای سال با خانواده‌ها قرارداد بستیم و امکان افزایش این هزینه بر اساس قراردادمان وجود ندارد.

تولید_کننده_پوشاك

همان روز اول گرانی ســـوخت، قیمت پارچه مصرفی ما ۲۰۰۰ تومان گران شـــد، این در حالی اســـت که همین امروز هیچ‌کسی همان پارچـــه را به ما نمی‌فروشـــد و همه فروشـــندگان عمـــده پارچه دست‌نگه داشته‌اند تا قیمت‌ها ثابت شـــود! باربرهای ما هم که برای حمل و نقل هر بار طاقه پارچه ۲۵ هزارتومان می‌گرفتند حالا ۴۰ هزار تومان می‌گیرند و بازار نخ برای دوزنده‌ها هم به همین شکل است. به فاصله همین چند روز حتی اگر تاثیر گرانی سوخت روانی هم باشد روی محصول نهایی کار ما تاثیر بسیاری گذاشته است. این در حالی است که از اواخر پاییز تا عید بازار کار ماست و نگرانی همه تولیدکننده‌ها این اســـت که قیمت تولیدات ما بالا رفته و از طرف دیگر قدرت خرید مرم به شدت پایین آمده است.

زندانی

خبر گران شدن بنزین را که در زندان شـــنیدیم محکومان مالی که من هم یکی از آنها هســـتم به این فکر کردیم که حالا همه چیز گران می‌شود و شـــاکیان ما که زندگی بر آنها فشـــار می‌آورد دیگر راضی نمی‌شوند از حق و حقوقشـــان بگذرند. در نتیجه دو سه روز است امید به آزادی میان محکومان مالی به شدت کم شده. بقیه زندانیان هم از این ناراحتند که از این به بعد دیگر خانواده هایشـــان هزینه ایاب و ذهاب نخواهند داشت، چون کرایه ۳۰ هزار تومانی خودروهای شخصی که خانواده‌ها را به زندان می‌آورد به ۶۰ هزار تومان رسیده.

کارگر

زندگی ما همه‌اش نگرانی اســـت. اتفاقاتی مثـــل افزایش قیمت ســـوخت برای قشـــر کارگری که هفت ماه حقوق حقه خودش را دریافت نکرده اســـت چیزی را تغییر نمی‌دهد. این همان مصداق آب از سر گذشـــتن اســـت. برای قشـــر کارگر مدت‌هاست آب از سرشان گذشـــته است و افزایش قیمت ســـوخت نگرانی تازه‌ای برایش ایجاد نمی‌کنـــد. چراکه اگر همین امـــروز قیمت بنزین به حالت اولیه‌اش هم برگردد باز حقوق من کارگر هفت ماه اســـت داده نشـــده اســـت. هر چند وقتی به بچه‌هایم نگاه می‌کنم دلم می‌ســـوزد که می‌خواهند با سه برابر شـــدن قیمت بنزین چطور تشکیل زندگی بدهند و زندگی کنند.

پزشك

باید در نظر داشـــت که یك قانون مهندســـی برای گران شـــدن قیمت‌ها وجود دارد. این که گران شـــدن یك کالا، بر دیگر کالاها و اصناف دیگر، ســـرایت می‌کند. حالا که بنزین گران شـــده است، باید انتظار داشته باشـــیم که دیگر اقشار هم دست به کار شوند. گران شدن کالاها اغلب دو جنبه دارد. یك جنبه این است که من به عنوان یك پزشك اخلاق‌مدار، فشـــار را تحمل کنم و هزینه‌های مطبم را افزایش ندهم، اما زمانی که تاکســـی سوار می‌شوم یا نه، زمانی که به خرید می‌روم، با افزایش قیمت‌ها روبه‌رو هســـتم. یك حالت دیگر هم این است که من هم همراه با اصناف دیگر، هزینه خدماتی را که ارائه می‌دهم، افزایش دهم.

کارمند

بســـیاری از کارمندان به دلیل مشکلات مالی در ســـاعات غیراداری، با خودروی شخصی‌شان مسافرکشـــی می‌کردند و به دنبال افزایش منابع مالی خانواده‌شـــان بودند اما حالا با این افزایش قیمت بنزین، این راه کســـب درآمد دیگر صرفه اقتصادی برایشان ندارد و عملا آن بخشی از هزینه‌های خانواده‌شـــان که با این کار برطرف می‌شد، لنگ می‌ماند. ضمن این که تا قبل از ایـــن، از آنجا که هزینه‌های بلیت قطار و هواپیما برای خیلـــی از خانواده‌ها بالا بـــود، خانواده‌ها با خودروی شخصی به مســـافرت‌های کوتاه مدت می‌رفتند اما با این اقدام، حالا خیلی از همین خانواده‌ها دیگر توانایی مسافرت با ماشین شخصی در آخر هفته را هم ندارند و در واقع کوچك‌ترین تفریح‌شان که همین مسافرت‌های یکی دو روزه با خودرو بود، حذف می‌شود.

محیط_بان

کار ما چه بخواهیم و چه نخواهیم به بنزین ربـــط دارد. ما خودرو و موتور سیکلت داریم و به مناطق تحت حفاظت سرکشی می‌کنیم. شك نکنید بالا رفتن قیمت بنزین، گشتزنی‌ها و کنترل ما بر مناطق را کم می‌کند. این موضوع باعث نگرانی محیط بان هاســـت. البته هنوز باك وســـایل نقلیه ما پر از بنزین هزارتومانی است، وقتی این بنزین تمام شود و قرار باشد بنزین ۳۰۰۰ تومانی بخریم آن وقت عمق فاجعه معلوم می‌شـــود، مخصوصا بودجه‌ای که برای هزینه‌های جاری به محیط بانی اختصاص می‌یابد هیچ‌گاه به اندازه نیاز نیست.

یک داروخانه‌دار: این روزها در داروخانه شاهد این هستم که برخی بیماران نمی‌توانند همه داروهای خود را تهیه کنند. پیش می‌آید که آنها به خاطر هزینه‌های بالا، نیمی از داروهایشان را پس می‌دهند و حالا با گران شدن بنزین حتما شاهد این خواهم بود که بیماران برای تهیه دارو با مشکلات بیشتری روبه‌رو شوند

بازنشسته

حقیقت این اســـت که گرانی بنزین بر روی همه چیز تاثیر خواهد داشت، اما شاید بزرگ‌ترین تاثیری که گرانی‌ها روی مردم داشته باشد، ناراحتی عمومی است که شاهد آن هستیم. من که یك بازنشسته هستم، با دو میلیون تومان حقوق، می‌توانم چه کار کنم؟ هزینه داروها و درمان بیماری‌هایم را بدهم یا این که نه، هزینه‌های معیشتی را تامین کنم؟ امروز شاهد نسل جوانی هستم که به پیری زودرس دچار شده است.

مهندس

به خاطر گران شدن بنزین و بالا رفتن نرخ ارز، دوربین نقشه‌برداری مورد نیازم ۱۱ میلیون تومان گران‌تر از هفته قبل شده است. برای طرح‌هایم ماشـــین‌بار را به صورت پروژه‌ای اجاره می‌کنم، به خاطر گران شدن بنزین، حالا باید هزینه‌های بیشتری پرداخت کنم، اینها همه در حالی است که قیمت طرحی که قرارداد بستم، تغییر نکرده است. انجام کارهای عمرانی در درازمدت دیگر مقرون به صرفه نیست.

خانه_دار

به عنوان یك زن خانه‌دار نگران همه امور زندگی هستم. گران شدن بنزین روی همه چیز تاثیر دارد. این‌که مســـؤولان درباره این صحبت می‌کنند که گران شدن بنزین، روی قیمت‌ها تاثیر ندارد، درست نیســـت. در هفته‌های آینده، شاهد گران شـــدن مواد خوراکی، پوشاك، لوازم بهداشـــتی و همه وســـایل مورد نیاز برای یك زندگی معمولی، خواهیم بود. خارج از تاثیری که افزایش قیمت بنزین خواهد داشـــت، راننده‌هایی که با وسایل نقلیه شخصی کار می‌کنند، از این پس باید حداقل یك میلیون تومان از هزینه‌ها را برای بنزین کنار بگذارند.

داروخانه_دار

ایـــن روزهـــا، مســـؤولان در رادیـــو و تلویزیون از ایـــن که هیـــچ چیز گران نمی‌شـــود می‌گوینـــد، اما موضوع اینجاســـت کـــه موج گرانی‌هـــا بعدا بـــه وجود خواهـــد آمد. آن روزی کـــه قیمت بنزیـــن افزایش پیـــدا کرد، من بـــه عنوان کســـی که داروخانـــه دارد، به این فکر کـــردم که با وجـــود هزینه‌های کمرشـــکن در حوزه ســـلامت، حـــالا مردم با مشـــکلات دیگری روبه‌رو خواهند شـــد. ایـــن روزها در داروخانه شـــاهد این هســـتم که برخی بیمـــاران نمی‌توانند همه داروهـــای خود را تهیـــه کنند. پیش می‌آیـــد که آنها به خاطر هزینه‌های بالا، نیمی از داروهایشـــان را پس می‌دهند و حالا با گران شـــدن بنزین حتما شاهد این خواهم بود که بیماران برای تهیه دارو با مشکلات بیشتری روبه‌رو شوند.

دانشجو

ما دانشـــجوها، برای رفت و آمد به دانشگاه، بودجه‌ای مشـــخص را اختصاص می‌دهیم و حالا نمی‌توانیم بگوییم گران شـــدن بنزین روی کرایه تاکســـی‌ها، تاثیرگذار نیســـت. در واقع با این‌که مدیران می‌گویند این اتفاق نمی‌افتد و قرار نیســـت کرایه‌ها گران شـــود، اما همه می‌دانیم در عمل چنین چیزی ممکن نیســـت و باید منتظـــر افزایش هزینه‌هایمان برای رفت و آمد به دانشگاه باشـــیم و خب این می‌تواند برای ما دانشجوها، تاثیر بزرگی در انگیزه‌هایمان داشـــته باشد. چه برای من که باید بخش بیشـــتری از حقوقم را خرج هزینه رفت و آمد کنم و چه برای دانشجویی که پول توجیبی می‌گیرد.

روحانی

اولین و مهم‌ترین دغدغه من بعد از اعلام گران شدن بنزین، بی‌اعتمادی نسبت به مسؤولان بود. هیچ‌کدام از مسؤولان ما اطلاع‌رسانی نکردند؛ در صورتی که انتظار روشی صادقانه‌تر برای این اتفاق از سوی مسؤولان داشتیم و زیر سوال رفتن صداقت مسؤولان، موضوعی بود که در این مقوله خیلی به چشم ما پررنگ آمد. ضمن این‌که با توجه به عملکردهای قبلی دولت، موجی که حالا ایجاد شده است و همه مردم از جمله خود بنده درگیرش هستیم، تورمی است که متناسب با افزایش بهای بنزین، روی کالاها ایجاد خواهد شد.

زن_سرپرست_خانوار

من یك مغازه کوچك لباس و عطرفروشـــی برای گذران مخارج خودم و فرزندان محصلم دارم. راســـتش را بخواهید، از روزی که این خبر اعلام شد، هنوز شجاعت رفتن به بازار را پیدا نکرده‌ام؛ چون فکر می‌کنم طی همین چند روز اخیر هم قیمت کالاهای مورد نیاز در مغازه‌ام به‌خصوص عطرها که به قیمت دلار بستگی دارد، زیاد شده است و این باعث می‌شود این دفعه نسبت به دفعات قبل، اجناس کمتری بتوانم تهیه کنم. البته هنوز این تفکر من در حد نگرانی مانده است و به چشم خودم این گرانی را ندیده‌ام، ولی واقعا امیدوارم این اتفاق نیفتد و قدرت خرید من برای ادامه کسب و کارم و قدرت خرید مردم برای خرید از مغازه من، کم نشود.

سرباز

نگران این هستم که در هفته‌های آینده کرایه تاکسی بالاتر برود و هزینه‌های روزمره من نیز بیشتر شود. این در حالی است که حقوق ناچیز ما سربازان، همین الان هم حتی کفاف خرج رفت‌وآمدمان را نمی‌دهد، چه رسد به این که نرخ حمل‌ونقل عمومی از این نیز بیشتر شود. همچنین در پادگان ما سربازان بسیاری هســـتند که با استفاده از وسیله نقلیه شخصی به محل خدمتشان می‌آیند. با آن دوستانم که صحبت می‌کنم، همه از افزایش قیمت بنزین گله‌مند هستند، زیرا این افزایش تاثیر چشمگیری روی هزینه‌های ترددشان گذاشته است و آنها نمی‌دانند با حقوق اندك سربازی چطور باید این هزینه‌ها را مدیریت کنند.

خلبان

همه کالاهایی که ما به طور روزمره از آن اســـتفاده می‌کنیم، خـــواه ناخواه از محلی به محل دیگر جابه‌جا شده‌اند و بدون شك افزایش قیمت سوخت روی قیمت این کالاها نیز تاثیر خواهد گذاشت. به همین خاطر نمی‌توان قیمت ســـوخت را گران کرد، اما به طور دستوری قیمت کالاهای دیگر را ثابت نگه داشـــت. قضیه مثل همـــان دلار ۴۲۰۰ تومانی می‌ماند که هیچ‌وقت عملی نشد، زیرا اساسا تعیین قیمت بسیاری از کالاها صرفا دست دولت نیست. بنابراین معتقـــدم دولتمردان نمی‌توانند جلوی تاثیر افزایـــش قیمت بنزین روی کالاهای دیگر را بگیرند. مثلا خود من همین دیروز به میوه‌فروشـــی رفته بودم و دیدم که نســـبت به هفته پیش حـــدود ۳۰ درصد قیمت میوه‌هایش را بالا برده بود. علت را که از فروشـــنده پرسیدم، پاسخ داد درست است که دولت دســـتور داده نرخ کالاها ثابت بماند، اما راننده وانتی که هر روز میوه‌های من را می‌آورد، گوشش به این حرف‌ها بدهکار نیست، زیرا او ناچار است دو تا سه برابر هفته گذشته پول بنزین بدهد و باید به نحوی آن را جبران کند.